

گفتید که اصولگرایان مجلس ششم با شما همراه بودند، چون شما بحث کارشناسی می کردید و با عدد و رقم صحبت می کردید و به همین شیوه کار می کردید تا نگاه و بحث حاشیه‌ای مطرح نشود و غلبه پیدا نکند. پس چرا در مجلس هفتم، آن تغییر مهم و سرنوشت‌ساز برای ایران در برنامه چهارم ایجاد شد؟

آنان که در دولت آقای احمدی نژاد و مجلس هفتم آن تصمیم را درباره برنامه چهارم گرفتند، جزو اصولگرایان مجلس ششم نبودند. ببینید! یک نظام حکمرانی تفاوت احزاب را می پذیرد. اما مسأله این است که در سایر نظام‌های حکمرانی مبتنی بر احزاب، سازمان‌ها یا نهادها کار می کنند. در این صورت فرقی نمی کند که بایدن بیاید یا ترامپ، با آمدن و تغییر این افراد تفاوتی در کارکرد نظام حکمرانی و اداری آن کشور ایجاد نمی شود. اما در کشور ما این نظم وجود ندارد. آمد و رفت آدم‌ها وضعیت را بدتر می کند. اگر آن نظم وجود داشته باشد، من از تفاوت افکار شخص دیگری ناراحت نمی شوم. اما اگر آن نظم نباشد، من افکار مخالفم را بر نمی تابم و می خواهم او را منکوب کنم. این که چرا آن تغییر در برنامه چهارم ایجاد شد، ناشی از همین بود.

اگر حالا بخواهید یک بخش از سند چشم انداز را جدا کنید و بگویید این بخش مهم ترین و تعیین کننده ترین بخش بود، کدام بخش را انتخاب می کنید؟

در سند چشم انداز همه موضوعات به صورت فصل فصل در آمده بود. در جلسه‌ای تأکید کردم همه فصول را می توانیم کنار بگذاریم، اما فقط به این فصل توجه کنید: «نوسازی دولت و ارتقای اثربخشی حاکمیت»، عرض کردم اگر ما به این فصل یا این بخش عمل نکنیم، نمی توانیم به اهداف سند چشم انداز برسیم. منظور اصلی ما در این سند این بود که دولت باید در کارهای حاکمیتی باشد و در کارهای غیرحاکمیتی مانند عفاف و حجاب، حضور آن گونه‌ای نباشد که گویی همه ارکان دولت در آن حضور دارند. زیرا جنس این مسأله از جنس مسائل حکمرانی نیست و از جنس مسائل فرهنگی و اجتماعی است. اما متأسفانه از زمان احمدی نژاد تا امروز دولت‌های ما متضاد با این اصل عمل کردند.

اگر بخواهید یک مصداق بیاورید و بگویید دولت یا نظام حکمرانی در این بخش، برخلاف مصالح ملت عمل می کند، آن مصداق مشخص چیست؟ از سال ۸۴ تا امروز، ما شاهد غیبت و نبود اصل التزام بخشی در مالیه عمومی هستیم. در مالیه عمومی، شرایط ما نه تنها بهتر نشده، بلکه بدتر هم شده است.

مشکل اصلی ما در مالیه عمومی دولت است، چرا که تورم برای دولت است، چاپ پول برای دولت است. بنابراین مالیه عمومی، اولین ضرورت التزام بخشی کشور است. امروز در کشور بیش از هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان اسکناس چاپ می شود و این کار باعث شده است تا پول ملی ما بی اعتبار شود. در کره زمین هیچ کشوری وجود ندارد که چنین تومی در آن بوجود بیاید و مردم تا این اندازه از نظر اقتصادی احساس ناامنی کنند. اگر نظام حکمرانی ما شرایط را برای مردم امن کند، طبیعی است که دشمنان هم از این وضعیت به نفع خودشان استفاده می کنند. اکنون به خاطر ناامنی مردم است که دشمنان به ما نزدیک تر شده‌اند. به عبارت دیگر، مسأله امروز ما این است که ما در تأمین نیازهای اولیه جامعه عاجز شده‌ایم. ما مردم نجیب و بسیار قابل احترامی داریم که در طول تاریخ از سوی کارگزاران خود خیر ندیده‌اند.

آقای دکتر ستاری فر! مردم می پرسند «بالاخره چی میشه؟» برای پاسخ به اینکه «بالاخره چی میشه؟»، باید برسیم که اصلاً چه باید بکنیم. به نظر شما، در شرایط امروز ما با این مشکلات و ناترازی‌هایی که با آنها رو به رو هستیم، برای برون رفت از این وضعیت چه باید بکنیم؟

ما امروز باید ۶ التزام به جامعه بدهیم. اگر این اتفاق بیفتد و این التزام‌ها به جامعه داده شود، جامعه احساس امنیت خواهد داشت. اولین التزام اینکه باید بتوانیم بودجه و مالیه خود را در جهت کار جامعه درست کنیم و منابع را در این جهت خرج کنیم. امروز در آموزش پرورش ۹۰۰ هزار دانش آموز داریم که در مدارس ثبت نام نکرده‌اند، و در بین این دانش‌آموزان می توان اینشتین‌های زیادی را پیدا کرد. اما در همین شرایط ما برای سازمان‌هایی



دولت باید در کارهای حاکمیتی باشد و در کارهای غیرحاکمیتی مانند عفاف و حجاب، حضور آن گونه‌ای نباشد که گویی همه ارکان دولت در آن حضور دارند. زیرا جنس این مسأله از جنس مسائل حکمرانی نیست و از جنس مسائل فرهنگی و اجتماعی است. اما متأسفانه از زمان احمدی نژاد تا امروز دولت‌های ما متضاد با این اصل عمل کردند

هزینه می کنیم که حتی نظارت‌پذیر هم نیستند، اما اعلام می کنیم که برای آن کودک بازمانده از تحصیل بودجه نداریم. این نشان می دهد که ما در بودجه دچار انحراف هستیم. یکی دیگر از التزام‌هایی که باید به جامعه بدهیم، این است که سیاست‌های پولی و بانکی خود را اصلاح کنیم. امروز ایرانیان نباید نگران ریال و ارز باشند. ما بانک‌ها را به امان خود رها کرده‌ایم و آنان پول‌ها و منابع خود را به هزار فامیل خودشان می دهند، اما برای مردم پولی ندارند. بنابراین یک التزام ما باید این باشد که سیاست‌های پولی و بانکی به عدالت در اشتغال و متعهد به حفظ ثبات ارزش پول ملتزم باشد. امروزه امنیت ملی و دفاع ملی ما دیگر صرفاً در مسائل نظامی خلاصه نمی شود. ارزش پول ملی ما است که امنیت ملی ما محسوب می شود. اما در این سال‌ها، سه هزار برابر ارزش پول ملی ما از دست رفته است. سومین التزام این است که به التزام در حکمرانی برسیم، زیرا ما در حکمرانی التزامی نداریم. به این معنی که می بینیم درون قوه مجریه میان وزارتخانه‌های نفت و نیرو دعواست، میان مجلس و قوه قضاییه هم مشکلاتی وجود دارد. مسأله این است که هرچه مشکلاتی از این دست بیشتر می شود، به جای بیشتر شدن انسجام بیشتر شود، اختلافات بیشتر می شود. چهارمین التزام هم این است که میان دولت و جامعه تعامل درست و مؤثری ایجاد شود. در ۱۰ سال گذشته متوسط رشد اقتصادی ما ۱۰ درصد بوده است، درحالی که اگر نظام حکمرانی و جامعه با یکدیگر هماهنگ باشند، تنها فروش نفت می تواند ۴ درصد رشد اقتصادی را به ارمغان بیاورد. به دلیل فقدان همین هماهنگی میان جامعه و نظام حکمرانی است که حتی فروش نفت هم نمی تواند این رشد را ایجاد کند. التزام پنجم، تعامل مؤثر با جهان است. به این معنی که منافع ملی خود را در نظر بگیریم و متناسب با آن با دنیا ارتباط برقرار کنیم. ما باید در تقسیم کار جهانی خوب بازی کنیم. نباید در این تقسیم کار جهانی توسری خور باشیم. ما باید در جایگاه جهانی، مزیت‌ها، فرصت‌ها و توانمندی‌های خود را داشته باشیم. ششمین مورد التزام هم، التزام بخشی در امور محیط زیستی است. به عنوان نظام حکمرانی، ما امروز در امور محیط زیستی شکست خورده‌ایم. ما باید به جایی برسیم که در هر انتخابات تأکید کنیم که اگر کسی بتواند یا بخواهد این ۶ التزام را داشته باشد، می تواند امور را در دست بگیرد، در غیر این صورت ما نباید به چنین فردی رأی بدهیم یا دولت را در اختیار بگیرد.